

صفحه

درین فصل میخوانید

- 2.....همکاران صحتی جامعه، کولرا را توقف میدهند.....
- 3.....کار دسته جمعی برای آوردن تغییر.....
- 4.....چه چیز باعث موفقیت این سازماندهی صحتی شد؟.....
- 5.....دیدگاه صحت محیطی چگونه شروع به انکشاف نمود.....
- 6.....تپه بدون درخت مانند یک خانه بدون سقف است.....
- 7.....کشف اسباب ریشه ای مشکل.....
- 8.....آموزش اینکه چگونه یک همکار مؤثر صحت محیطی باشیم.....

بهبود صحت محیطی جامعه



مفهوم بهبود صحت طفل و یا صحت خانواده واضح است. اما چگونه شما صحت محیطی را بهبود میبخشید؟ زمانی که در مورد صحت محیطی صحبت میکنیم منظور طریق متأثر شدن صحت ما توسط جهان اطراف ما میباشد همچنان اینکه چگونه فعالیت های ما روی صحت جهان اطراف ما تأثیر میگذارد. اگر غذا، آب و هوای ما آلوده باشد، میتواند ما را مریض نماید. اگر ما در مورد نحوه استفاده هوا، آب و زمین محتاط نباشیم، میتوانیم خود و محیط اطراف مانرا مریض نماییم. با محفوظ نگهداشتن محیط زیست خود میتوانیم صحت خود را حفظ نماییم.

بهبود صحت محیطی اغلباً زمانی آغاز میگردد که مردم متوجه شوند که یک مشکل صحتی نه تنها صحت فردی یا گروهی را متأثر میسازد بلکه یک مشکل عمومی جامعه است. زمانیکه در مورد یک مشکل مشوره صورت میگیرد، مردم بیشتر علاقمند میگردند تا با هم کار نموده و تغییری ایجاد کنند.

در این فصل ما داستان یک سازمان صحتی جامعه را در شهرک منگلارالتو (Manglaralto) در اکوادور حکایت میکنیم که در آنجا کارکنان صحتی یک اپیدیمی کولرا را متوقف نمودند. بعداً مردم جامعه راه های کار دسته جمعی را برای فایق آمدن به مشکلات دیگر صحتی نیز پیدا نمودند.

همکاران صحتی جامعه، کولرا را توقف میدهند

ساحل اکوادور برای شش ماه بسیار خشک و شش ماه بسیار مرطوب میباشد. این موضوع باعث میشود که به سختی مواد غذایی کشت شود. چند بازار اندک وجود دارد و دولت هم کمتر رسیدگی برای ایجاد مکاتب، کلینیک های صحتی و دیگر خدمات ابتدایی مانند آب پاک و فاضلاب نموده است. زمانیکه کولرا به منطقه در سال 1991 ضربه وارد نمود، اکثر مردم برای این واقعه آمادگی نداشتند و بسیاری از مردم شدیداً مریض گردیدند.

همه روزه مردم اعضای فامیل شانرا جهت تداوی به مرکز صحتی منطقه شان در شهرک مانگلارالتو میآوردند. مریضان بسیار ضعیف، دارای لرزه، تبادر و از اسهال آبگین و دیهیدریشن (از دست دادن زیاد آب وجود) سخت رنج میبردند. همکاران صحتی جامعه دریافتند که این یک اپیدیمی کولرا است و اگر سریعاً اقدام نکنند افراد زیادی از سبب آن از بین خواهند رفت. چون کولرا آب نوشیدنی را ملوث مینماید و از یک فرد به فرد دیگر به آسانی انتقال میکند، همکاران صحتی جامعه میدانستند که تداوی افراد مریض به تنهایی کفایت نمیکند. برای جلوگیری از انتشار کولرا آنها مجبور خواهند بود راهی برای داشتن آب پاک و بیت الخلاء های محفوظ برای هر فرد این محل و قریه های اطراف آن پیدا نمایند. همکاران صحتی جامعه شروع به سازماندهی افرادی که هنوز صحتمند بودند، نموده و از گروه های محلی کمک خواستند. آنها یک مؤسسه را که در کشورهای دیگر شرکای زیاد داشت ترغیب نمودند تا برای شان جهت شروع یک برنامه عاجل برای تهیه آب پاک و بیت الخلاء های محفوظ پول بدهد.

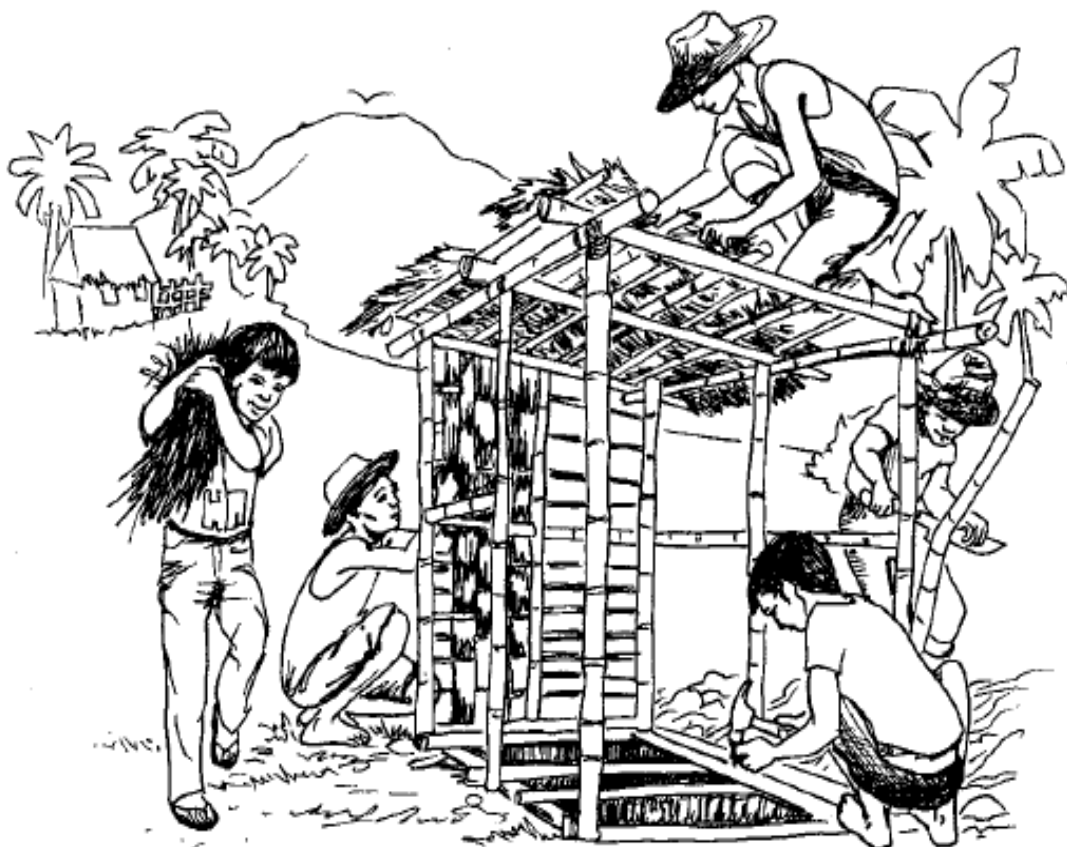
همکاران صحتی جامعه این پروژه را "صحت برای مردم" نام نهاده و شورا های صحتی را در هر قریه تشکیل دادند. اعضای شورا ها "مبلغان صحتی" را انتخاب نمودند، آنهاييکه آموزش دیده بودند تا به مردم در مورد آب و حفظ الصحه (ساخت و نگهداشت بیت الخلاء ها و شستن دستها برای پیشگیری از انتشار میکروب ها) تدریس و آگاهی بدهند. به این طریق همکاران صحتی جامعه مردم قریه ها را قادر ساختند تا مسئولیت مهمی را برای مبارزه علیه کولرا و برای بهبود صحت محیطی در جوامع شان بدوش بگیرند.



داشتن پول برای انجام کاری خوب بود
اما کافی نبود. ما به مردم ضرورت
داشتیم تا اقدام به اجرای کار هائی نمایند
که از انتشار کولرا جلوگیری بعمل آید.

کار دسته جمعی برای آوردن تغییر

اولین کاری که مبلغان صحتی قریه انجام دادند این بود که نحوه انتشار کولرا و امراض دیگری که سبب اسهال میگردد را به مردم آموزش دادند (به صفحه 47 و 48 مراجعه شود). بعداً برای هر خانواده و هر قریه کمک نمودند تا مطمئن گردند که نحوه تهیه آب شان پاک و درست است (به صفحه 92 و 99 مراجعه شود). همچنان آنها به مردم آموزش دادند که چگونه دیهیدریشن را که سبب اصلی مرگ در اسهال است توسط ساختن نوشیدنی از شکر، نمک و آب جوش داده شده و دادن آن به اطفال و هر کسی که اسهال دارد توقف دهند (مراجعه به صفحه 53). آنها در مکاتب، مساجد، مراکز اجتماعی، و اماکن تجمع، مردم را آموزش دادند که با شستن دستهای شان و ساختن و استفاده از بیت الخلاء های محفوظ از کولرا پیشگیری کنند. بعد از چند هفته تقریباً کولرا ناپدید گردید.



اما همکاران صحتی جامعه میدانستند که کارهای بسیار زیادی برای انجام دادن دارند تا متیقن شوند که کولرا دوباره حمله نخواهد کرد.

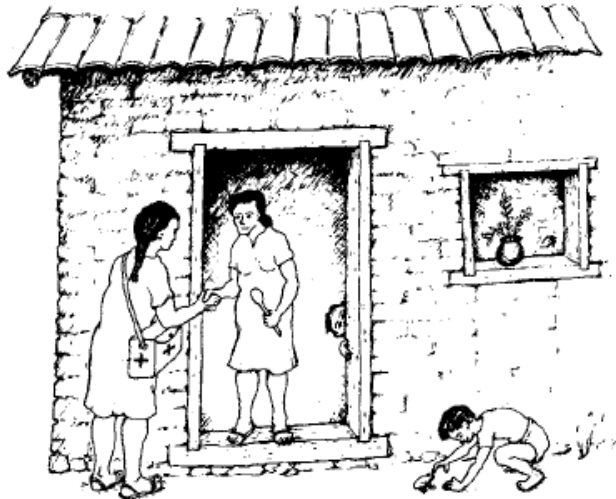
به کمک انجینیرهای محلی مردم گرد هم آمدند تا سیستم نلدوانی آب را بسازند، بیت الخلاء هائی که دارای چاه فاضلاب است در هر قریه ترویج نموده و مطمئن شوند که هر خانواده آب کافی برای حمام نمودن دارد. مردم قریه خودشان این کار را انجام دادند و آموختند که چگونه آبر پاک ساخته و سیستم آب و بیت الخلاء ها را نگهداری کنند. همچنان آنها یقین حاصل نمودند که حیوانات حصار گردیده اند (فاضلات حیوانات از منابع آب دور نگهداشته شده) و سر ظروف آب پوشیده است تا از نفوذ پشه هائی که امراض را انتقال میدهند جلوگیری صورت گیرد.

زمانیکه این کار انجام یافت، مردمان قریه های دیگر به آنها پیوستند. پروژه صحت برای مردم با 22 قریه آغاز گردید و دیری نگذشت که به 100 قریه افزایش یافت. بزودی در دیگر مناطق حوزه کولرا وجود نداشت و امراض دیگر نیز کاهش یافته بود.

چه چیز باعث موفقیت این سازماندهی صحتی شد؟

پروژه صحت برای مردم در متوقف ساختن کولرا و حل مشکلات دیگر مردم بسیار موفق بود. این موفقیت بخاطری بود که همکاران صحتی جامعه:

- با مردم در خانه هایشان کار نمودند. مبلغان صحتی خانه بخانه مردم را آموزش دادند تا تهیه آب بصورت پاک صورت بگیرد. اینکار باعث شد تا کارمندان صحتی در مورد مشکلات دیگر نیز بیاموزند و به جامعه اعتماد نمایند.



گروه های زیادی را یکجا نمودند. سازمان های محلی، حکومت محلی، مؤسسات غیر دولتی ملی و بین المللی (NGOs) و وزارت صحت همه باهم کار نمودند. این موضوع ایشانرا متقاعد ساخت که منابع و تجربه شان سودمند بود و کمک نمود تا اپیدیمی متوقف گردد. چون همه این ارگانها با هم کار نمودند، لذا از مشکل اینکه دو مؤسسه عین کار را انجام دهند و یا کار یک مؤسسه متضاد کار مؤسسه دیگر باشد، اجتناب صورت گرفت.

به مردم بحیث یک منبع مهم ارزش قابل شدند.

آنها مردم قریه را در مورد مشکل صحتی مقصر ندانسته و همچنان آنها خود را تنها به کمک های خارجی وابسته



نساختند. در عوض آنها از تجارب شخصی مردم برای رسیدن به یک هدف عمومی استفاده نمودند. آنها از مسابقات، نمایش عروسک (گدی)، آهنگ ها، مباحثات و فعالیت های آگاهی دهی عام استفاده نمودند تا مردم باهم یکجا شده، دانش و توانایی های شان را باهم شریک سازند.

مردم قریه وقتی دیدند که چگونه دانش و اشتراک مساعی شان مشکلات جدی صحتی را حل نمود، اعتماد به نفس پیدا کرده و بیشتر تشویق گردیدند

چگونه دیدگاه صحت محیطی شروع به انکشاف نمود

مدت ها میشد که همکاران صحت دریافته بودند حشراتیکه امراض را انتقال میدهند، روی کثافات (خاکروبه) و کثافت دانی ها تولید مثل میکنند. آنها جلساتی را در مورد ضرورت به پاک نمودن سرک ها و بهبود بخشیدن به وضعیت کثافت دانی ها برگزار نمودند. هر قریه یک گروهی را بنام "همکاران صحت محیطی" تشکیل دادند. آنها روز های نوکریوالی را تنظیم نمودند تا مطابق آن هر کدام کثافات را از روی زمین پاک نمایند. با کمک یک انجینر چاهای محفوظ بنام محل دفن مصوون کثافات را ساخته و همکاران صحت محیطی کثافت دانی ها را در آن چاه ها تخلیه مینمودند (صفحه 412 دیده شود). طی سالهای بعدی همکاران صحت محیطی در مورد شروع یک برنامه استفاده مجدد از کثافات (recycling program) (صفحه 404 دیده شود) صحبت نمودند تا مقدار مواد زائده را در محل دفن کثافات کاهش دهند. آنها زمانی توانستند برنامه شانرا عملی نمایند که یک موسسه بین المللی یک موتر کلان لاری را برای انتقال مواد زائده به شهر به ایشان اهداء نمود. پولی که از فروش مواد زائده و کثافات برای برنامه استفاده مجدد بدست میآمد، کمک نمود که مصارف موتر بشمول تیل و ترمیمات آنرا پردازند.



الی سال 1996 برنامه "صحت برای مردم"، صد ها بیت الخلاء را ساخته و سیستم های نلدوانی آب را ایجاد نمود. همچنان دو محل دفن بهداشتی کثافات را حفر نمود، برنامه استفاده مجدد از مواد زائده را شروع و به مردم کمک نمود تا باغ های عمومی را نهال شانی نمایند.

بعداً در سال 1997 یک فاجعه اتفاق افتاد. طوفان باران بنام El Nino ساحل اکوادور را در هم کوبید و بمدت شش ماه در آن مناطق باد و باران های شدیدی تقریباً همه روزه اتفاق می افتاد. باد ها درخت ها را از بین برده و باران ها تپه ها را به دامنه های پر از گل تبدیل نمود و قریه ها توسط دریا های خروشان پر گردید. بیت الخلاء ها، سیستم های نلدوانی آب و محصول سال ها کار پر از مشقت آنها همه از بین رفت.

زمانیکه تپه ها متلاشی شد، کار برنامه "صحت برای مردم" نیز با آن تقریباً متوقف گردید. برای دانستن بهتر اینکه چرا این حادثه اتفاق افتاد، ما باید تاریخ حوزه را مطالعه کنیم.

تپه بدون درخت مانند یک خانه بدون سقف است

تپه ها و کوه های سواحل اکوادور زمانی توسط جنگل های گرم سیر (استوایی) پوشیده بود. درخت ها مانگروف (Mangrove) در مناطقی که آب شیرین دریا ها همراه با آب شور بحر یکجا میگردید، میروئید. این درخت ها ساحل را از طوفانها حفاظت مینمود و خانه ای برای انواع ماهی ها و صدف ها بود. درخت های نی (Bamboo) در امتداد رودخانه ها روئید و سواحل را از فرسایش و تخریب محافظت نمود. جنگل ها از درخت های بزرگ سیبو مملو گردید. ریشه های عمیق شان آب و خاک را نگه میداشت. درخت های کاروب در سرایشی دامنه های کوه میروئید.



قبلاً

این درخت ها خاک و دامنه ها را از فرو ریختن محافظت مینمود.

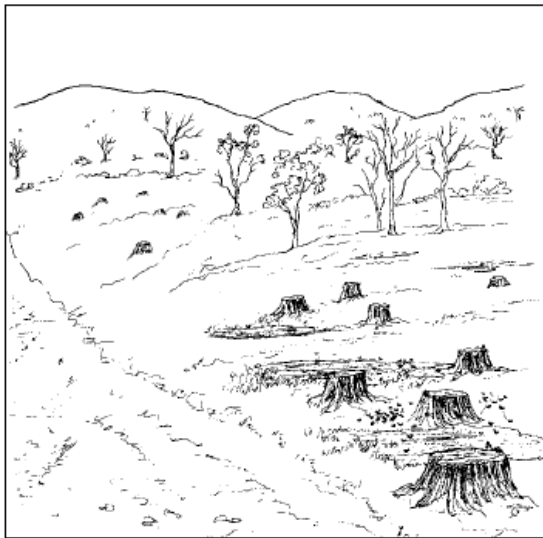
برگ درختان وقتیکه بزمین می افتاد زمین را غنی میساخت.

جنگل ها خانه برای انسان ها و همچنان، پرندگان، آهوها، حشرات، سوسمار ها و حیوانات بی شماری بود. انسانها خانه های شانرا از درختهای نی و برگ درخت های نخل میساختند. حیوانات زیادی برای شکار ، میوه های وحشی برای خوردن و آب و خاک غنی برای باغ ها و فارم ها وجود داشت.

اما در طی صد سال گذشته، تعداد زیادی از درخت ها برای ساختن راه آهن و خانه ها قطع گردید. بعداً یک کمپنی از جاپان آمد و بقیه درخت ها را قطع نموده و به قسمت دیگری از ساحل جهت انتقال آنها توسط کشتی به جاپان انتقال داد. چون درخت های جنگل های گرمسیر دارای چوب بسیار قوی میباشند، آنها را به قیمت خوبی بفروش رساندند. زمانیکه درخت ها از بین رفتند، کمپنی منطقه را ترک نمود. راه آهن رو بخرابی نهاد و بتدریج متروک گردید.

حالا کوه ها در سواحل اکوادور مانند دشت به نظر میرسد. تپه ها قهوه ای رنگ شده و سایه ای وجود ندارد. در فصل های خشک خاک بهر سو پراکنده میشود و هوا پر از گرد و خاک است.

در فصل های مرطوب، خاک به گل تبدیل شده و دامنه ها فرو میریزد. زمانیکه طوفان های El Nino در سال 1997 آمد، درختی وجود نداشت که از مردم قریه در مقابل نیروی ویرانگر طوفان محافظت کند.



بعداً

دریافت اسباب ریشه ای مشکل

زمانیکه دیدند چگونه باران ها تمام قریه ها بشمول سیستم نلدوانی جدیداً اعمار شده آب و بیت الخلاء ها را از بین برد، کارکنان برنامه "صحت برای مردم"، دریافتند که آنها نیاز انجام کارهای مختلف دیگری را دارند تا از فاجعه هائی از این قبیل در آینده جلوگیری نمایند. ساختن سیستم آب و بهبود حفظ الصحه تنها یک بخش مشکل را حل مینماید.

یک ضرب المثل در قریه ها وجود دارد که: یک "تپه بدون درخت مانند یک خانه بدون سقف است". این بدان معنی است که درخت ها تپه را محافظت میکنند و از فرسایش آنها بوسیله باد و باران جلوگیری بعمل می آورند، چنانچه سقف یک خانه افراد خانواده را محافظت میکند. کارکنان صحن دیدند که ترویج غرس درخت ها و محافظت از منابع طبیعی مانند ترویج صحت مهم میباشد، زیرا هر دو یکی و عین چیز میباشند!

با این طرز فکر، همکاران صحن جامعه یک پروژه غرس نهال را آغاز نمودند. اما بعضی از افراد قریه نمیخواستند نهال غرس نمایند. شخصی بنام ادواردو Eduardo، از پیوستن به پروژه غرس نهال خودداری نمود.

وی گفت که "کار بسیار زیاد است. آنها از ما میخواهند تا برای هیچ، کار نماییم." وی بعضی از مردم قریه را متقاعد ساخت تا علیه همکاران صحن جامعه اقدام نمایند.

شخصی از کارمندان صحت بنام گلوریا در قریه ادواردو، مردم را گرد هم آورد و یک فعالیتی را بنام "پس چرا؟" تنظیم نمود تا به هر فرد کمک نماید که عمیقاً در مورد اینکه چرا بیت الخلاء ها و سیستم آب شانرا از دست داده اند فکر نماید.





غرس درخت ها کار بسیار سنگینی است درحالیکه ما نه محصولی داریم و نه هم پولی. ما به غذا حالا ضرورت داریم نه در ده سال آینده!

با پرسش سوال "پس چرا؟" گلوریا مردم قریه را کمک نمود
تا در مورد مشکلات صحتی که به محیط زیست شان ارتباط میگرفت فکر نمایند.
در ختم جلسه اکثریت مردم قریه موافق به این بودند که غرس درخت از اهمیت خاصی در پیشگیری از تخریب زمین برخوردار است و باعث محافظت خاک میگردد. اما ادواردو هنوز بدان معتقد نبود.

آموزش اینکه چگونه یک همکار مؤثر صحت

محیطی باشیم

گلوریا دلسرد به مرکز صحتی باز گشت. او فکر میکرد که "علی رغم اینکه آنها اهمیت درخت ها را دانسته اند، آنها اقدام به غرس درخت نخواهند کرد." چگونه آنها را متقاعد بسازم؟" در همین وقت یک زنبوری داخل خانه شد و او را از جا پراند. بعداً وی دید که زنبور از خانه بیرون شد و روی یک گل سرخ از درخت کرنوب نشست. این واقعه به او یک مفکوره جدیدی داد. روز بعد، گلوریا مردم قریه را بدور هم جمع نمود. او یک سوال دیگری از مردم پرسید و ادواردو اولین کسی بود که جواب داد.

برای اینکه زندگی تانرا بهبود ببخشید ضرورت به پول دارید حالا، نه در ظرف ده سال. همچنان باور دارید که غرس درخت مهم است. آیا راهی وجود دارد که از غرس درخت پول بدست آورد؟

بلی! البته ما میتوانیم درخت هارا قطع نموده و چوب آنها را بفروش برسانیم. اما ده سال طول میکشد، زیرا درخت مدت زیادی را دربر میگيرد که بزرگ شود.



دیگر مردم قریه بسیار فکر نموده و چنین گفتند:



گلوریا گفت، " اگر ما درختان گلدار را پرورش دهیم که زنبور های عسل دوست دارند، میتوانیم پروژه نگهداری زنبور عسل را شروع کنیم و عسل آنها بفروش برسانیم. این کار یک سال وقت میخواهد تا درخت ها غنچه نمایند." مردم قریه این مفکوره را پسندیدند. حتی ادواردو نیز موافقت نمود که غرس نهال را امتحان نماید در صورتیکه او بتواند عسل تولید کند.

زمانیکه گلوریا میخواست منطقه را ترک کند ادواردو او را متوقف نمود و به او گفت، " زمانیکه نواسه من مریض بود و اسهال داشت، ما یک نوشیدنی از قوزه درخت کاروب به او تهیه کردیم. این نوشیدنی بهتر از هر دواى داکتر به او شفا بخشید. من فکر میکنم این هم یک مفکوره خوب برای غرس درختان کاروب باشد. بعد ما میتوانیم نوشیدنی شفا بخش را تهیه نماییم و توسط عسل آنها شیرین بسازیم."

گلوریا هیجان زده از این طرح جدید به مرکز صبحی برگشت. بعد از فکر نمودن در مورد نحوه برگزاری جلسه، وی دریافت که به وی هرگز مفید نخواهد بود که به مردم قریه بگوید که چکار انجام بدهند. اگر وی میخواست که یک همکار مؤثر صحت محیطی باشد باید یاد میگرفت که چگونه موضوعات را از چشم آنها ببیند، مفکوره شانرا بشنود و ضرورت شانرا درک کند.